

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

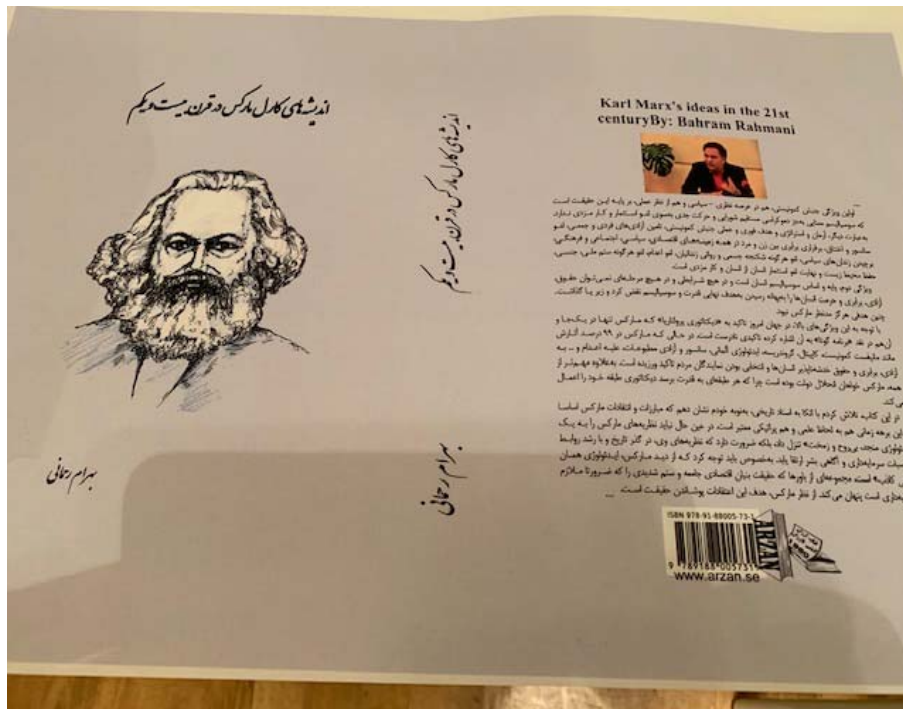
Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۱۰ اپریل ۲۰۱۹

دعوت به رونمایی کتاب:

## «اندیشه‌های کارل مارکس در قرن بیست و یکم»



واقعیت چیست؟ واقعیت، چیزی است که تحقیقات، تطبیقات، آمارها و نتایج مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهند، نه فکر و احساسی که ما ناشی از دیدن دردها و رنج‌ها و معضلات و مشکلات جهان داریم. برای درک واقعیت نیاز داریم منابع مختلف تاریخی و تحلیل‌های مختلف موافق و مخالف را ورق بزنیم تا از دل آن‌ها، واقعیت پنهان و یا سرپوش گذاشته و تحریف شده را بیرون بکشیم. بنابراین، باید رویدادها و وقایع و عمکردهای تاریخی را آن‌طوری که روی داده‌اند تعریف و توصیف و تحلیل کنیم نه آن‌طوری که دل بخواهی است. در این راستا، نباید از بیان واقعیت‌ها و انتقادات ترس و وا همه داشته باشیم.

بعقیده شما تغییر نظم موجود به نفع بشریت از چه راهی ممکن است؟

آیا فکر می‌کنید به مرور زمان دنیا خودبه‌خودی بهتر خواهد شد؟

آیا فکر می‌کنید با سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیسم و فرمیسم می‌توان توازن قوای موجود را به نفع انسان و آزادی و برابری تغییر داد؟

آیا فکر می‌کنید با به کارگیری اندیشه‌های درست مارکس می‌توان به جهان نوین آزاد، برابر، انسانی و عادلانه دست یافت؟

...

در کتاب «اندیشه‌های کارل مارکس در قرن بیست و یکم» می‌توانید واقعیت‌های اندیشه جهان‌شمول سوسیالیستی را آن‌گونه که هست، دریابید.

\*\*\*

**رونمایی این کتاب، در کشورهای زیر برگزار خواهد شد:**

سویدن:

مالمو:

زمان: روز جمعه ۱۲ اپریل ۲۰۱۹، از ساعت ۱۸ تا ۲۰

مکان: Irska Kulturhuset, Ystadvägen 44

برگزارکننده: خانه فرهنگ ایران

با همراهی: بابک رحیمی

دنمارک

کپنهاک:

زمان: شنبه ۱۳ اپریل ۲۰۱۹ از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۷:۳۰

مکان: Energi Center Voldparken, Kobbelvænget 65, 2700 Brønshøj, Lokal 204

برگزارکننده: کانون اندیشه کپنهاک؛ شماره تلفن هماهنگی: ۰۰۴۵۲۲۷۴۳۰۳۳

با همراهی: کاوه دادگری

سویدن:

ستکهلم:

زمان: روز شنبه ۲۷ اپریل ۲۰۱۹، از ساعت ۱۵ تا ۱۷

مکان: آ. ب. اف سولنا، ABF Solna

برگزارکننده: نشر «کتاب ارزان»

با همراهی: ناصر رحیم‌خانی

آلمان

برلین:

زمان: روز شنبه ۴ مه ۲۰۱۹، از ساعت ۱۸ تا ۲۰

مکان: کانون پناهندگانی سیاسی ایرانی در برلین

با همراهی: فریار اسدیان

در این جلسات نویسنده به سؤالات حضار جواب خواهد داد.

\*\*\*

کتاب «اندیشه‌های کارل مارکس در قرن بیست و یکم» حاصل تلاش چندین ساله «بهرام رحمانی» است. این کتاب تحقیقی و تطبیقی و تحلیلی در هفت فصل و ۳۸۳ صفحه در قطع وزیری توسط نشر «کتاب ارزان» در ستنکه چاپ و منتشر شده است.

کتاب «اندیشه‌های کارل مارکس در قرن بیست و یکم» برای کسانی که تازه می‌خواهند همه‌جانبه با ایده‌ها و افکار فلسفی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مارکس آشنا شوند منبع نسبتاً کاملی است. این کتاب در عین حال، مارکسیسم پس از مارکس و واقعیت‌ها و عملکردهای تاکتونی آن‌ها را مورد بررسی و نقد قرار داده است به ویژه کمونیسم روسی.

\*\*\*

در بخشی از سخن پایانی این کتاب می‌خوانیم:

...

بسیاری از آثار مارکس، دوران حیاتش منتشر نشدند و حتی معروفترین آن‌ها یعنی «سرمایه» به‌طور کامل تا آن زمان نشر نیافته بود. تنها جلد اول سرمایه در سال ۱۸۶۷ تحت نظر نویسنده و به‌یراستاری شریک زندگی‌اش، یعنی جنی انتشار یافت. مجموعه آثار مارکس و انگلس که از سوی انستیتوت مارکسیسم لنینیسم مسکو انتشار یافته بالغ بر ۴۰ جلد و هر جلد در حدود ۸۰۰ صفحه، یعنی مجموعاً حدود ۳۲۰۰۰ صفحه است که شامل نامه‌ها، مقالات، یادداشت‌ها، بیانیه‌ها، گزارش‌ها و کتاب‌هایی است که از آن‌ها به جای مانده است.

مارکس و انگلس در طول بیش از ۶۰ سال با حدود ۲۰۰۰ نفر، به‌طور عمده مهاجران و خارجی‌ها مکاتبه داشته و ۴۰۰۰ نامه نوشته‌اند. حدود ۱۰۰۰۰ نامه نیز به آن‌ها نوشته شده است. نامه‌های این دو به دیگران کم و بیش به‌طور کامل انتشار یافته‌اند در حالی که نامه‌های نوشته شده به آن‌ها که بخش بزرگی از آن در مسکو است، هنوز منتشر نشده‌اند. حدود دو سوم آثار باقی‌مانده از مارکس و انگلس در آمستردام و یک سوم دیگر آن در مسکو نگهداری می‌شوند.

اکنون ۶۰ پژوهش‌گر از ۹ کشور جهان حول پروژه «MEGA» (مجموعه آثار مارکس و انگلس) برای انتشار مجموعه آثار ۱۲۲ جلدی این دو همکاری می‌کنند. هدف این پروژه، رمزگشایی و دستیابی به لغت‌ها و جمله‌های اصلی آثار مارکس است، زیرا انگلس بعد از مرگ مارکس در کتاب «سرمایه» تغییرات و پیوندهای جدیدی وارد کرد.

به این ترتیب، تنها با چنین روحیه انقلابی و نقادانه و روش علمی است که می‌توان از تجربه‌های غنی انقلاب‌های گذشته، همچون کمون پاریس، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، انقلابات اروپا، انقلاب ۱۹۷۹ ایران و ...، برای دستیابی به روش نوینی از علم انقلاب تغییر وضع موجود جهان با نفع انسان، دست یافت. بنابراین، نه تنها کمونیست‌ها، بلکه هر انسان متمدن و آگاه جدا از هر نقد سیاسی که به مارکس و مارکسیسم داشته باشد اما از مارکس به‌نیکی و با احترام و تحسین یاد می‌کند؛ در واقع کسی که تمام زندگی و کوشش خستگی‌ناپذیر خود را به‌تمامی وقف کارگران و محرومان و ستمدیدگان جهان و زندگی درخور و شایسته انسانی آن‌ها کرده است. چرا که اهمیت تعهد مارکس به‌علم و به‌مبارزه در راه ایجاد دنیایی برخوردار از عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و همبستگی و صلح فراتر از مرزهای زمان و مکان می‌رود. اندیشه‌های وی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت بشریت داشته و دارد.

البته وقایعی که در بسیاری از کشورهای جهان توسط دولت‌ها و یا حزب‌ها در روسیه، چین، البانی و یا کشورهای بلوک شرق (حامی شوروی سابق) به‌کار گرفته شد ربطی به‌نظریه انسانی و آزاداندیشی و انقلابی مارکس نداشت و ندارد. به‌همین دلیل نیز شکست سوسیالیسم موجود و کمونیسم روسی و چینی و غیره نیز کمترین ربطی به‌تئرها و تئوری‌های مارکس و مارکسیسم ندارد در واقع فروپاشی، شکست و فروپاشی حکومت‌هایی بود که در نتیجه عملکردهایشان دچار بحران و ریزش سیاسی و نابودی شده‌اند. در جهان امروز، اگر واقعا هم کسی می‌خواهد مارکس را بشناسد و راه آن را ادامه دهد از قضاء نه تنها نباید به‌کمونیسم روسی و شوروی سابق، چین، البانی و اقمار آن‌ها در کشورهای مختلف رجوع کند، بلکه مستقیماً باید به‌آثار ارزنده و سازنده و گران‌بهای مارکس، به‌ویژه مبارزه وی در انترناسیونال اول رجوع کند.

...

به‌این ترتیب، اساس بحث این است که با چه افق و چشم‌اندازی وارد مبارزه سیاسی و اجتماعی سرنوشت‌ساز شد. تاکنون تمام گرایش‌های سرمایه‌داری از فرمیسم و لیبرال و دموکرات گرفته تا فاشیسم و نازیسم و ملی و مذهبی ماهیت غیرانسانی و چهره‌گریه خود را به‌جوامع بشری نشان داده‌اند. از این‌رو، راحل کنونی جامعه بشری، یک راحل سوسیالیستی است. آن هم سوسیالیستی که مارکس و انگلس بیان‌گذار آن هستند. سوسیالیستی که به‌هیچ‌اصلاحی نیاز ندارد و تنها باید آن را با پیشرفت‌های علمی و دانش امروزی بشر ارتقاء داد. این نظر بازگشت به‌دوران بیش از ۱۸۰ سال، که مارکس و انگلس می‌زیستند نیست، بلکه تأکید و تلاش در راستای تحقق آرزوهای انسانی که بزرگترین آن، پایان دادن به‌استثمار انسان از انسان است. پایان‌دادن به‌سلطه‌مردسالاری، خرافات ملی و مذهبی، گرایش‌های نژادپرستی و فاشیستی و ملیت‌پرستی، با هدف رشد و گسترش همبستگی انسانی بدون توجه به‌جنسیت و ملیت و مذهب و رنگ پوست است. ساختن جهانی بدون تبعیض و نابرابر، بدون خشونت و جنگ و بدون استثمار است. تلاش مارکس و انگلس در جهت ساختن چنین جهانی بود که امروز هم مدرن‌ترین و انسانی‌ترین گرایش سیاسی و اجتماعی و فرهنگی روز زنده و بالنده است.

... اولین ویژگی جنبش کمونیستی، هم در عرصه نظری - سیاسی و هم از نظر عملی، بر پایه این حقیقت است که سوسیالیسم معنایی به‌جز دموکراسی مستقیم شورائی و حرکت جدی به‌سوی لغو استثمار و کار مزدی ندارد. به‌عبارت دیگر، آرمان و ستراتیژی و هدف فوری و عملی جنبش کمونیستی، تأمین آزادی‌های فردی و جمعی، لغو سانسور و اختناق، برقراری برابری بین زن و مرد در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برچیدن زندان‌های سیاسی، لغو هرگونه شکنجه جسمی و روانی زندانیان، لغو اعدام، لغو هرگونه ستم ملی، جنسی، حفظ محیط زیست و نهایتاً لغو استثمار انسان از انسان و کار مزدی است.

ویژگی دوم، پایه و اساس سوسیالیسم انسان است و در هیچ شرایطی و در هیچ مرحله‌ای نمی‌توان حقوق، آزادی، برابری و حرمت انسان‌ها را به‌بهانه رسیدن به‌هدف نهائی قدرت و سوسیالیسم نقض کرد و زیر پای گذاشت. چنین هدفی هرگز مدنظر مارکس نبود.

با توجه به این ویژگی‌های بالا، در جهان امروز تأکید به «دیکتاتوری پرولتاریا» که مارکس تنها در یکجا و آن هم در نقد «برنامه گوتا» به آن اشاره کرده تأکیدی نادرست است. در حالی که مارکس در ۹۹ درصد آثارش مانند مانیفست کمونیست، کاپیتال، گروندریسه، ایندولوژی المانی، سانسور و آزادی مطبوعات، علیه اعدام و ... به آزادی، برابری و حقوق خدشه‌ناپذیر انسان‌ها و انتخابی بودن نمایندگان مردم تأکید ورزیده است. به‌علاوه مهم‌تر از همه، مارکس خواهان انحلال دولت بوده است چرا که هر طبقه‌ای به قدرت برسد دیکتاتوری طبقه خود را اعمال می‌کند.

در این کتاب، تلاش کردم با اتکاء به اسناد تاریخی، به‌نوبه خودم نشان دهم که مبارزات و انتقادات مارکس اساساً در این برهه زمانی هم به لحاظ علمی و هم پراتیکی معتبر است. در عین حال نباید نظریه‌های مارکس را به یک «ایندولوژی منجمد، بی‌روح

و زمخت» تنزل داد، بلکه ضرورت دارد که نظریه‌های وی، در گذر تاریخ و با رشد روابط و مناسبات سرمایه‌داری و آگاهی بشر ارتقاء یابد. به‌خصوص باید توجه کرد که از دید مارکس، ایندولوژی همان «آگاهی کاذب» است، مجموعه‌ای از باورها که حقیقت بنیان اقتصادی جامعه و ستم شدیدی را که ضرورتاً ملازم با سرمایه‌داری است پنهان می‌کند. از نظر مارکس، هدف این اعتقادات پوشاندن حقیقت است.

\*\*\*

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را از آدرس زیر تهیه نمایند:

چاپ و نشر «کتاب ارزان»

Kitab-I Arzan

Helsingforsgatan 15

164 78 kista-Sweden

+46 70 492 69 24

www.arzan.se

**یادداشت:**

ضمن ابراز احترام عمیق به همکار عزیز و نستوه ما آقای "بهرام رحمانی" و زحماتی را که در تهیه کتاب حاضر متقبل شده اند، باید بنگاریم:

۱- به نظر ما روح مارکسیزم در "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" است نه تنها ما بلکه نباید هیچ کسی به خود حق دهد تا روح مارکسیزم را در زندان و انحصار نص مارکسیزم به بند کشیده، و آن را به مانند یک شریعت جامد و تکامل ناپذیر بداند.

۲- تجارب انقلابات روسیه، چین و سایر کشورها که هر یکی در پرتو تفکرات مارکس متناسب با شرایط اقتصادی - اجتماعی خاص همان کشورها صورت گرفته، به همان سان که نباید کاپی برداری شود، نباید مطلقاً نادیده گرفته شوند. زیرا به نظر ما در مجموعه دستاورد ها و شکست های آنها درسهای بزرگ، آموزنده و گرانبهایی وجود دارد که در کل باعث غنای مارکسیزم شده اند.

۳- تشکیل دولت های "دیکتاتوروری پرولتاریا" و یا "دیکتاتوروری دموکراتیک خلق" به مثابه ابزار حاکمیت پرولتاری و هدایت جامعه به طرف جامعه بی طبقه، لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی و از بین بردن استثمار انسان از انسان و سرکوب دشمنان مسلح این روند که کلاً در پیوند با امپریالیزم و ارتجاع قرار دارند، متناسب با شرایط کشور مورد نظر به ضرورت تاریخی مبدل می گردد که انصراف از آن چیزی به جز نفی جوهر مارکسیزم یعنی مبارزه طبقاتی نمی باشد.

اداره پورتال AA-AA